

نقدی بر مواضع اپورتو نیستی سازمان انقلابی افغانستان

بخش دوازدهم

بازهم دروغگوئی و مسخره بازی سازمان انقلابی

مادر نوشته های قبلی خویش رویونیزم واپورتونیزم سازمان انقلابی افغانستان را موردنقدقرار دادیم ودرضمن جاسوسی لمپنی وفحاشی آنها را برملا ساختیم ونشان دادیم که حضرات سازمان انقلابی تا کدام اندازه فرومایه ،فحاش ،لچک وبی تربیه هستند.

دراین مبحث بازهم به دروغگوئی لچکی وهرزه گی آنها تماس میگیریم تا خوانندگان به شخصیت های کاذب آنهاشنائی حاصل نمایند.مادر این مبحث بازهم دروغگوئی ،جعلکاری ، لمپنی وفحاشی حضرات سازمان انقلابی رازلابلای نوشته های بی بنیاد خودآنها بررسی نموده وبرای خوانندگان نشان میدهیم که حضرات سازمان انقلابی گذشته از انحرافات رویونیستی واپورتونیستی شان تا حال حتی اخلاق انسانی ومردمی رافرا نگرفته اند وماندانسان های بد اخلاق وآدم های لچک وهرزه به منتقدین ومخالفین شان برخورد میکنند. به این نبشته سازمان انقلابی توجه کنید: " بود نبود یک ملا مائونیست شورشی بوداو که از میان مردم فرارکرده وبه هالندرسیده بود وبرچوکی چرخکی سرچپه نشسته بودبق می خندیدوپیزا میخورد وککو با قهوه میزد ودر حالیکه ترجیح بند" ستمگری پشتون ها"هارازمزمه میگردناگهان فریادزدوگفت "این رنج به دلیل آنست که اولویت های مبارزاتی ما نخست مبارزه برای استقلال ملی افغانستان وموازی به آن مبارزه برای ایجادحزب کمونیست افغانستان است نه افشای رویونیزم این ها" با شنیدن این فکاهی تمام رفقا درکمال صداقت شلیک خنده سردادند وگفتند به خدا بلا میکنید!"خوانندگان عزیز ببینید که حضرات سازمان انقلابی تاکدام اندازه درلجنزاردروغگوئی و مسخره گی سقوط نموده اندواکت وادای مسخره هارادرمی آورند . رفیق مائوتسه دون میگوید:"یک کمونیست بایدصادق وفادار وفعال باشد" (مائوتسه دون- علیه لیبرالیزم آثارمنتخب جلد □). حضرات سازمان انقلابی را ببینیدکه نه صادق هستند،نه وفادار یک باردیگر به این نوشته مسخره آمیزسازمان انقلابی توجه کنید:"برچوکی چرخکی سر چپه نشسته بودبق میخندیدوپیزه میخورد"به به، به این دانش مارکسیستی وبه این منطق دیالکتیکی ! من فکر میکنم که آدم عاقل وبه خصوص یک عنصرانقلابی که از دانش وصحت سالم برخوردار باشد،این نوع چرنیاتی راروی کاغذ نمی آورد، زیرا با این نوشته روی خودراسیاه میسازدوبی

عقلی خود را به نمایش میگذارد. سازمان انقلابی در این نوشته مرتکب دو اشتباه بزرگ شده است اول اینکه همگی میدانند که این حرف و نوشته سازمان انقلابی یک دروغ شاخدار است از همان دروغ های که قبلاً موسوی، خالقداد پغمانی و جاوید کار گرفته بودند که گویا رفیق " فولاد" به آنها دوصد و سه صد دو دشنام داده است و تا حال که بیش از دو سال میشود نتوانسته اند حتی ده درصد آن دشنام هارا هم ثابت نمایند و باگوش های لمیده و دم های خمیده به سکوت مرگبار دچار گردیدند و حال سازمان انقلابی به طرز دیگر این دروغ هارا به شکل مسخره آمیز نشخوار میکند. برگردیم به اصل موضوع. این نوشته سازمان انقلابی یک دروغ محض است که آبروی حضرات سازمان انقلابی را نیز مانند موسوی، خالقداد پغمانی و جاوید بر باد داده است، زیرا هیچکس سرچپه در چوکی چرخکی نمی نشیند و لوبه اندازه حضرات سازمان انقلابی دروغگوی، لا ابالی و مسخره هم باشد. دوم اینکه اگر قبول کنیم که این نوشته سازمان انقلابی از روی مسخره بازی و نیشخندی صورت گرفته است، باز هم تف سربالای سازمان انقلابی به ریش خود شان می ریزد و سقوط سازمان انقلابی را به مسخره گی و فرومایگی به نمایش میگذارد. از این چرندیات سازمان انقلابی معلوم میشود که نویسنده یا نویسندگان این سطور در حین نوشتن این پاراگراف شاید در حال نشه بالای چوکی های چرخکی سرچپه نی بلکه سر راسته نشسته بودند و مصروف پیزا خوری بودند و این لا طائلات از ذهن شان تراوش کرده است. میگویند شخصی گوساله ای را دزدیده بود و هر جا که میرسید به مردم میگفت که چرا خود را گوساله گوساله میکنید و حال حضرات سازمان انقلابی همین کار را انجام میدهند. ما به خوبی میدانیم که نوشته های سازمان انقلابی چرندیاتی بیش نیست و ارزش نقد کردن را ندارد ولی ناگزیر هستیم برای مردم نشان دهیم و خاطر نشان سازیم که حضرات سازمان انقلابی تا کدام اندازه نادان کودن و بی تربیه هستند. به این سخنان سازمان انقلابی توجه کنید: " از بخت بد ما با شورشی های لافوک، دروغگو و هرزه روبرو هستیم" خوانندگان عزیز یکبار دیگر به این نوشته حضرات سازمان انقلابی توجه کنید " برچوکی چرخکی سر چپه نشسته بود بق بق می خندید و پیزه میخورد" حال ببینید که مائوئیست های افغانستان لافوک، دروغگوی و هرزه هستند یا حضرات سازمان انقلابی. تبصره بیشتر در این زمینه لازم نمی بینیم و همینقدر یادآور میشویم که کسانی که خودشان لافوک، دروغگوی و هرزه باشند حق ندارند دیگران را به دروغگویی و هرزه گی متهم سازند. ولی متأسفانه که رویونیست ها و اپورتونیستهای سازمان انقلابی و مدافعین شان موسوی، کبیر توخی و میرویس نادان محمودی شرم ندارند و از آنها هر چه ساخته است.

به این چرندیات سازمان انقلابی نگاه کنید: " حال که امریکائی های جنایت کار بر اجساد پشتون ها درار میکنند و زنان و کودکان آنها را با بیرحمی دیوانه و اربه گلوله می بندند و با تمام این ها شما باز هم از ستمگری پشتون ها صحبت میکنید پس پاسپورت های تان را آماده نموده به افغانستان تشریف بیاورید که خلق ما وظیفه انقلابی خود را نه منحیث چوچه سگان هرزه بلکه منحیث خا ئنان به خلق به انجام برسانند". بیایید در مورد این چرندیات سازمان انقلابی کمی صحبت نمائیم. نخست اینکه ملیت پشتون مانند همه ملیت

ها از طبقات مختلف و متخاصم تشکیل گردیده است. ملاکان و کمپرادوران ملیت پشتون که در رأس آنها کرزی وطن فروش قرار دارد، نه تنها مورد غضب امپریالیست‌ها قرار ندارند بلکه نوکرامپریالیست‌ها بوده و دشمن درجه یک خلق بوده و در کشتار "زنان و کودکان" خلق پشتون شریک جرم امپریالیست‌های جنایت کار امریکا میباشند. این کارگران، دهقانان، طبقات خرده بورژوا و بخشی از بورژوازی ملیت پشتون استند که امپریالیست‌های جنایت کار آنها را به "گلوله می بندند" نه طبقات ستمگر ملیت پشتون که در رأس آنها کرزی وطن فروش قرار دارد. وقتی ما از ستمگری ملیت پشتون صحبت میکنیم منظور ما ستمگری طبقات ملاک کمپرادور ملیت پشتون است که در رأس آنها کرزی وطن فروش قرار دارد. اما چون سازمان انقلابی بادید مارکسیستی و تحلیل طبقاتی به مسائل برخورد نمیکند نزد آنها ظالم و مظلوم ملیت پشتون در یک ردیف قرار دارد و در زیر دفاع از ملیت پشتون شوینیزم ملیت پشتون را تقویت نموده به ملاک کمپرادوران ملیت پشتون که در رأس آنها کرزی وطن فروش قرار دارد خدمت گذاری میکنند. کمپاین انتخاباتی که سازمان رهائی و جناب داد نورانی رهبر سازمان انقلابی در زمان انتخابات به نفع کرزی راه اندازی نموده بودند، مؤید این ادعای ما میباشد. همچنان گروه طالبان که اکثریت آنها را پشتون‌ها تشکیل میدهند از حمایت وسیع آی - اس - آی و سی آی ای برخوردار هستند و دشمن خلق‌های افغانستان بویژه خلق پشتون استند.

به این اراجیف سازمان انقلابی توجه کنید: "مائوئیست‌ها مثل سایر انقیاد طلبان و اپورتونیست‌ها به پیشرفت کار سازمان انقلابی حسادت می ورزند وقتی می شنوند که سازمانی به نام سازمان انقلابی افغانستان در کشور حضور دارند در حد توان در کنار خلق مبارزه می کنند به اصل سانترا لیزم دموکراتیک باور دارند علیه انقیاد طلبی میرزمنند و در زیر ریش اشغالگران امریکائی و ناتوئی و سگان استخباراتی آن دومین کنگره خود را بر گذار می کند که در آن نمایندگان دورترین ولایات کشور حضور می یابند به بحث می پردازند کار سازمانی را جمع بندی میکنند انتقاد میکنند و رهبری جدید را برای پیشبرد امور انتخاب میکنند و در طرف دیگر فرسودگی و پودگی خود را می بینند ناچار بر گذاری کنگره آنرا بایده سخره بگیرند و آنرا صحنه سازی مصنوعی بخوانند." سازمان انقلابی بخش دوازدهم دنکشوت‌های... "ماچندین بار خاطر نشان ساخته ایم که سازمان انقلابی بدون سند و اسناد صحبت نموده و فقط لغت در جمله استعمال میکند و به عام گوئی و داستان‌های تقلبی پناه میبرد. وقتی سازمان انقلابی از "انقیاد طلبان و اپورتونیست‌ها" یاد آوری میکند تشریح نمیکند که انقیاد طلبان و اپورتونیست‌ها کی‌ها هستند. در حالی که انقیاد طلبان و اپورتونیست‌ها سازمان انقلابی، سازمان رهائی و ساما- ادامه دهندگان استند، زیرا سازمان رهائی در کنفرانس بین شرکت کرد و اسناد انقیاد طلبی را امضا نمود و سازمان انقلابی و سامای ادامه دهندگان تا چند سال پیش در برابر اشغالگران، پوز بند استعمال میکردند و به سکوت ننگین فرورفته بودند و حال داداز مبارزه میزنند و به لاف و پتاق می پردازند. سازمان انقلابی و حزب همبستگی افغانستان که از یک گریبان سر میکشند، کنگره خود را در زیر ریش اشغالگران دایر میکنند و به آرایش گری می پردازند و مانند

رهبرشان داد نورانی هم به توصیف و تعریف نهادهای دولتی می پردازند و هم اکت و ادای انقلابی را در می آورند. در انبان آنها هم این است و هم آن و این مشاطه گری هارا "هنرمبارزه و استفاده از امکانات دشمن به سود خلق" جلوه میدهند.

به این چرندیات سازمان انقلابی نگاه کنید: "اینه قهرمان ضدامپریالیزم که ما از آن بی خبر بودیم دو عدد (نفر) فراری ما ئوئیست کله به کله شده یکی در هالند و دیگری در کانادا شورش و سه عقرب راه انداخته و دم از مبارزه علیه دشمن عمده و حزب کمونیست واقعی میزند و لابد انتظار دارند که همه نه تنها باور کنند بلکه این عالی جنابان رار هبران کمونیست ها نیز بپذیرند. شتر در خواب ببند پنبه دانه ولی خدا کارگران را از ایشان نگیرد که هم شتر دارند هم پنبه دانه و اعلام کرده اند که شورش ها یک تن از رهبران گرانمایه جنبش مائوئیستی کشور است" این نبیسه سازمان انقلابی صاف و پاک یک گزارش است که سازمان انقلابی میخواهد برای ارتجاع و امپریالیزم نشان دهد که متوجه باشید که عناصر انقلابی در کشورهای غربی هم بیکار ننشسته اند و دم از مبارزه علیه دشمن عمده و تاسیس حزب کمونیست واقعی میزنند. وظیفه کمونیست ها و نیرو های انقلابی این است که در هر جایی که باشند برضددشمن مبارزه و برای تشکیل و ایجاد حزب کمونیست انقلابی سراسری مبارزه نمایند اینکمانند فراری های مدافعین سازمان انقلابی موسوی، کبیرتوخی و میرویس نادان محمودی دست به جاسوسی و فحاشی بزندانوشهرت انقلابیون را افشاء نمایند.

به این چرندیات سازمان انقلابی نگاه کنید: "یکی از اینان گفته بود از آن جانیکه در افغانستان شرایط برای انقلاب مساعد نیست پس باید به پیرو رفت و در جنگ خلق شرکت کرد. به همین منظور پاکستان را ترک گفته سرش از کانادا بیرون شد در همانجا ماند تا انقلاب کند" بعد از رفیق مائوتسه دون نقل قول میکند که میگوید: "چگونه باید سنجید که یک جوان انقلابی است یا کدام معیار باید آن را اندازه گرفت تنها یک معیار میتواند وجود داشته باشد و آن این است که آیا این جوان مایل است با توده های وسیع کارگران و دهقانان در آمیزد و آیا بدان عمل میکند یا نه چنانچه او مایل به در آمیختن با توده های وسیع کارگران و دهقانان باشد و بدان عمل کند فرد انقلابی است و الی فرد غیر انقلابی یا ضد انقلابی است (سمت جنبش جوانان) بعد مینویسند: "وقتی مائوتسه دون کسی را که مایل به در آمیختن با توده های وسیع کارگران و دهقانان نباشد و بدان عمل نکند و از میان مردم فرار کند و تودهای کارگر و دهقان را در آتش اشغال تنهای تنها بگذارد فرد غیر انقلابی یا ضد انقلابی میدانند عمدتاً مائوئیست ها باید چه اندازه ضد مائوتسه دون و در عین حال چشم پاره باشند که گریختگی های پر مدعا را "نستوه" گرانمایه و رهبر میخوانند "دروغگوئی و بهتان سازمان انقلابی به حدی رسیده است که حتی در پای مائوتسه دون هم بهتان و تهمت می کنند سازمان انقلابی مینویسد: "وقتی مائوتسه دون کسی را که مایل به در آمیختن با توده های وسیع کارگران و دهقانان نباشد و بدان عمل نکند و از میان مردم فرار کند و تودهای کارگر و دهقان را در آتش اشغال تنهای تنها بگذارد فرد غیر انقلابی یا ضد انقلابی میدانند." حضرات سازمان انقلابی در نقل قول که شمادر بالا از مائوتسه دون ذکر

نموده اید. در این نقل قول هیچ کلمه ای از اشغال و فرار در آن به نظر نمی‌رسد ولی شما خائنانه آنرا تفسیر غلط می‌کنید چون شما مائونیست‌ها را فراری خطاب می‌کنید می‌خواهید نشان دهید که ببینید که کسانی که از وطن گریخته‌اند و در کشورهای خارجی پناهنده شده‌اند ضد انقلابی‌اند بیخبر از اینکه شما با این جعل کاری و دروغ‌گویی قبر خود را می‌کنید و دروغ‌گویی و جعل کاری خود را ثابت می‌سازید در حالیکه این نقل قول بخشی از نوشته رفیق مائو تسه دون تحت عنوان سمت جنبش جوانان ۴ مه ۱۹۳۹ است. متن حاضر نطق رفیق مائو تسه دون در میتنگ یادبودی با شرکت توده‌های جوانان در بین آن بمناسبت بیستمین سالگرد جنبش ۴ می است. رفیق مائو تسه دون در این نطق ایده‌های خود را در باره مسأله انقلاب چین تکامل بخشید. در زمانیکه جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) در بین مردم گسترش می‌یافت، اخوانی‌های شیاد هر آیت وحیث را که می‌خواندند آنرا بر ضد شعله جاوید تفسیر می‌کردند و حال این جعل کاری را سازمان انقلابی انجام می‌دهد و نقل قول‌های رفیق مائو تسه دون را بر ضد مائونیست‌ها تفسیر و تعبیر غلط می‌کنند و روی خود را سیاه می‌سازند. اگر یک بار قبول کنیم که پناهندگان سیاسی افغانستان فراری هستند و داستان پردازی سازمان انقلابی و اقلیت دارد و یکی از (م-ل-م) گویا از پاکستان به کانادا رفته و در آنجا مانده است. و این کار ضد انقلابی است، پس وکیلان مدافع سازمان انقلابی موسوی، کبیر توخی و میرویس نادان محمودی که از افغانستان فرار کرده و در کانادا مانده‌اند چطور؟ آیا این هافراد انقلابی هستند یا غیر انقلابی؟ به گفته شما "وقتی مائو تسه دون کسی را که مایل به در آمیختن با توده‌های وسیع کارگران و دهقانان نباشد و بدان عمل نکند و از میان مردم فرار کند و توده‌های کارگر و دهقان را در آتش اشغال تنهای تنها بگذارد فرد غیر انقلابی یا ضد انقلابی میدانند" پس بنا به گفته خودتان و نقل قول که از مائو تسه دون آورده‌اید، وکیلان مدافع تان هر یک موسوی، کبیر توخی و میرویس نادان محمودی که "از میان مردم فرار کرده‌اند و توده‌های کارگر و دهقان را در آتش اشغال تنهای تنها گذاشته‌اند نظر به شهادت خود شما همه شان ضد انقلابی هستند. حاجت به ما نیست که آنها را ضد انقلابی خطاب نماییم. شما که بدون هیچگونه مسئولیت وجدانی و تاریخی پناهندگان سیاسی را گریختگی خطاب می‌کنید آیا متوجه هستید که شما هم سه تا گریختگی جاسوس و فحاش موسوی، کبیر توخی و میرویس محمودی را دارید، و حتی در کنگره ساختگی تان از موسوی و کبیر توخی این دو "فراری و گریختگی" تعرف و توصیف کرده‌اند و آنها را رفیق مبارز جلوه داده‌اید و حال با این نوشته‌های تو خالی خویش به روی آنها سیلی کاری می‌کنید. یک ذره شرم کنید، موسوی، کبیر توخی و میرویس نادان محمودی این سه بیچاره در مانده پناه به شما آورده‌اند و هر روز بخاطر دفاع از شما بوجی بوجی دروغ، تهمت، بهتان و فحاشی را به کار می‌برند و روی خود را سیاه می‌سازند و شما غیر مستقیم آنها را ضد انقلابی می‌خوانید. باید به حضرات سازمان انقلابی خاطر نشان سازیم که دروغ‌گویی و جعل کاری این شرمندگی را دارد که شما به آن مواجه شده‌اید.

به این چرندیات سازمان انقلابی نگاه کنید: "این که سازمان انقلابی افغانستان در مبارزه علیه امپریالیسم افشاء دشمنان عمده خلق و در بلند کردن فریاد توده‌های ستمدیده چه انجام داده جنبش و توده‌های کشور به

خوبی میدانند لذا لازم نمی بینم آن را تذکر دهم زیرا باجمعی روبرو هستیم که به هیچ نوع اصول انقلابی پابندی ندارند در دبستان آموخته اند که چگونه انقلابیون را به دستگاه های دشمن معرفی کنند. " این سخنان سازمان انقلابی با هم به تف سربالا میماند. این حضرات سازمان انقلابی است که به هیچ نوع اصول انقلابی پابندی ندارند چون در دبستان رویونیوم سازمان رهائی پرورش یافته اندور هبرفقید شان دادنورانی از طریق نشریه روزگاران وتلویزیون های به ظاهر ملی ولی در واقعیت امپریالیستی به تعریف وتوصیف نهادهای دولتی پرداخته است. همچنان این سازمان انقلابی ومدافعین جاسوس وفحاش شان موسوی ،کبیرتوخی ومیرویس نادان محمودی بوده واستندکه از طریق سایت استخباراتی "افغانستان ازاد-آزاد افغانستان" عده ای از "انقلابیون رابه دستگاههای دشمن معرفی "نموده واسناد جاسوسی آنها از طریق سایت استخباراتی "افغانستان ازاد-آزادافغانستان" پخش گردیده است .

به این چرندیات سازمان انقلابی نگاه کنید: "ما به شما اعلام میکنیم که بیائید از هر ده نفر هشت نفر از مادواز شما در حد توان در یک جبهه(جبهه استقلال) به جنگ اشغالگران میرویم حاضر هستید به این چلنج پاسخ مثبت دهید یا اینکه به تصویر شیر غلط میورزید جرئت دارید که قبله آمال خود را رها کنید شما انسان های از لحاظ سیاسی بی غیرت وبی شهامت فقط یاد دارید که لاطائلات کودکانه با وقار خاص مائو نیستی عرضه کنید" به پاسخ این چرندیات سازمان انقلابی باید خاطر نشان سازیم که جنگ با اشغالگران قمار بازی ،لاف وپتاق وکاکه گی نیست که شما بدان توصل ورزیده و به ما چلنج میدید که از ما هشت نفر واز شما دونفر بیائید که به جنگ اشغالگران برویم .

جنگ با اشغالگران وظیفه توده های میلیونی تحت رهبری حزب پرولتاریاوسرانجام ارتش رهائی بخش خلق وجبهه متحدملی است، نه کار دلک های مثل شما. وظیفه "م- ل- م" در شرایط فعلی افشاء جنایات اشغالگران ودولت دست نشانده آنها میباشد واین کار بدون افشاگری رویزیو نیزم واپورتونیزم امکان پذیر نیست . باید خاطر نشان سازیم که انقلاب کودتای بالاحصار نیست (تکیه از ناشر است) که از شما ده نفر واز ما دونفر به جنگ اشغالگران برویم .یارداین لاطائلات وچلنج سبک سرانه تان شما اجازه داریدواژه پرانی کنید وکلمات از لحاظ سیاسی بی غیرت وبی شهامت راطوطی وار تکرار نمائیدوشانه های خودرابالا اندازیدوجاربزیدیکه دیدیکه "م - ل - م" ها تر سیدندوبه چلنج ماجواب ندادند. مانه تنظیمهای سه گانه مولوی محمدنبی محمدی، صبغت الله مجددی وپیر سید احمد گیلانی هستیم که با شما جبهه مبارزین مجاهدرابسازیم ونه سامای ادامه دهندگان هستیم که با شما اعلامیه مشترک بیرون دهیم. وظیفه کنونی ما این است که اندیشه های زهراگین رویونیومی واپورتونیستی شمارا که مانع کارتدارک انقلاب میشودافشاء نمائیم تا باردیگروشنفکران انقلابی در دام شما نیفتند وبه دنبال آب به طرف سراب نروند. (تکیه از ناشر است)

به این چرندیات سازمان انقلابی نگاه کنید. سازمان انقلابی در مورد داد نورانی می نویسد: "زنده یادادنورانی از رسانه های افغانستان به سودآزادیخواهی استفاده میکرد. باری یکی ازدوستان با او ملاقات

کردوبه اوگفت که نباید در رسانه های داخل وخارج حضور پیدا کند ولی او با استدلال درست توضیح داد که هنر مبارزه در این است که چگونه میتواند از امکانات دشمن به سود خلق کار بگیرد ولی باید متوجه باشد که به مبلغ ارتجاع تبدیل نشود. او توضیح داد که بر اساس روابط گذشته در این زمینه دچار اشتباه شده که باید از همین طریق جبران کند." ای کاش جناب فقید نورانی متفکر، رهبر و خط دهنده سازمان انقلابی این آگاهی وشهامت انقلابی را میداشت که از رسانه های افغانستان به سود آزادیخواهی استفاده میکرد و به مبلغ ارتجاع تبدیل نمیشد نظر به نوشته شما خود دادنورانی اعتراف میکند که "بر اساس روابط گذشته در این زمینه دچار اشتباه شده است" یعنی "به مبلغ ارتجاع تبدیل" شده است. این رامیگویند چشم پارگی تبصره بیشتر را در مورد فقید دادنورانی لازم نمی بینیم زیرا در نوشته های گذشته عملکرد آن مرحومی کالبد شکافی شده است. در اخیر جادارد کمی در مورد نوشته ای میرویس نادان محمودی این جاسوس مفلوک وفحاش که خود را وارث سنن انقلابی خاندان فقید محمودی میداند کمی تبصره نمائیم. میرویس محمودی که در دفاع از شعله جاوید به سینه زنی پرداخته و خود را خون آلود میسازد بیائید ببینیم که این بیچاره مفلوک چقدر در مورد سازمان جوانان مترقی وجریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) معلومات دارد. آیامیرویس محمودی راست میگوید و یا تحت نام دفاع از محمودی وجریان دموکراتیک نوین به جاسوسی وفضولی می پردازد. میرویس محمودی در مقاله منتشره ۲۸ دسمبر ۲۰۱۳ خویش تحت عنوان "توطئه از طرف بدنام ترین مرکز دسیسه سازی و پروپاگاندجهان بی بی سی علیه شعله جاوید" که از سایت استخباراتی افغانستان آزاد-آزاد افغانستان "پخش گردیده مینویسد: "در این راستا شخصی به اسم علی امیری که خودش را نویسنده وتحلیل گر معرفی میکند با یک سلسله معلومات غلط وخلاف حقایق کوشیده است که جریان دموکراسی نوین افغانستان - شعله جاوید و" سازمان جوانان انقلابی" را مهر هزارگی میزند ونقش برجسته وفنا ناپزیر محمودی ودیگرفرزندان انقلابی را نفی میکند" میرویس نادان محمودی این مفلوک بیچاره علی امیری رانه بخاطر معلومات غلط وخلاف حقایق مورد نقد وسرزنش قرار میدهد بلکه به خاطر آن بالای علی امیری غضب میکند که علی امیری در مقاله خویش تحت عنوان:"شعله جاوید و خاکستر بجاماند از ما نئویزم" که به تاریخ ۲۶ دسمبر ۲۰۱۳ در سایت بی بی سی منتشر شده است در قسمتی از مقاله اش اکرم یاری راز شاخص ترین رهبران اولیه سازمان جوانان مترقی وجریان دموکراتیک نوین(شعله جاوید) معرفی نموده است. به قسمتی از نوشته علی امیری توجه کنید: "نام اصلی شعله جاوید سازمان جوانان مترقی بود که در سال 1343 تأسیس شد. اکرم یاری از شاخص ترین رهبران اولیه واز بنیان گذاران این جریان بود که در تصفیه درونی گروه های چپ در همان آغاز جان خود را از دست داد". میرویس محمودی به این کار ندارد که علی امیری میگوید: نام اصلی شعله جاوید"سازمان مترقی" بود چون میرویس محمودی خودش تاهنوز مثل علی امیری نام سازمان جوانان مترقی را درست نمی فهمد وسازمان جوانان مترقی را"سازمان جوانان انقلابی" میگوید. میرویس محمودی یکبارنه بلکه چندین بار سازمان جوانان مترقی را" سازمان جوانان انقلابی" معرفی میکند. ببینید که چه فرقی بین علی

امیری مداح امپریالیزم انگلیس و میرویس محمودی جاسوس فحاش و مدافع سازمان انقلابی و همزمان نزدیک موسوی و کبیر توخی وجود دارد. علی امیری مینویسد: "نام اصلی شعله جاوید" سازمان مترقی" است و میرویس محمودی مینویسد "سازمان جوانان انقلابی". این ادعای علی امیری ناشی از اجیر بودن، بی دانشی و حماقت آن است. اما میرویس محمودی که به دروغ خود را مدافع محمودی فقید و شعله جاوید قلمداد میکند از علی امیری کرده هم بیسواد و کودن است و هم جاسوس و فحاش است. میرویس محمودی این مفلوک بیچاره که اکت و ادای انقلابی میکند، تا حال حتی نام سازمان جوانان مترقی را نمی فهمد و سازمان جوانان مترقی را "سازمان جوانان انقلابی" میگوید و باین نوشته خویش ثابت میسازد که نامبرده از علی امیری کرده هم کودنتر و بیسوادتر است که حتی علی امیری نسبت به آن خدا بیامری میبرد. علی امیری یک نویسنده اجیر است که در بدل پول قلم میزند و وظیفه آن اینست که بر ضد سازمان جوانان مترقی و جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) جعل کاری و لجن پاشی نماید. علی امیری با وجود تمام لجن پاشی اش فحاشی نمیکند و سازمان جوانان مترقی و جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) را یک سازمان و جریان ملیتی و هزارگی قلمداد نمیکند و صرف از بنیان گذار سازمان جوانان مترقی زنده یاد اکرم یاری یاد آور میشود اما میرویس محمودی بادید فاشیستی و نژاد پرستانه ای که دارد یاد آوری از زنده یاد اکرم یاری را مهر هزارگی تلقی میکند و در نوشته های نژاد پرستانه اش همیشه بالای ملیت هزاره تاخت و تاز مینماید و آنها را اخلاف چنگیز، زنازده و... معرفی میکند. میرویس محمودی که هیچ گونه معلوماتی و سابقه ای در مورد سازمان جوانان مترقی و جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) ندارد. با استفاده از تخلص محمودی فقید به دروغ خود را وارث محمودی ها معرفی میکند. بیخبر از اینکه با این نادانی و جهالت خود حیثیت و آبروی مبارزاتی فامیل محمودی فقید را نیز برباد میدهد. نادانی میرویس محمودی به جایی رسیده است که حتی "جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) را" جریان دموکراسی نوین افغانستان - شعله جاوید (نوشته میکند. وای از آن روزی که پالان دوز خیاطی کند. جای تعجب نیست که میرویس محمودی را میرویس نادان محمودی خطاب می کنیم ما هیچ گاه بدون سند و اسناد صحبت نمیکنیم. خوانندگان عزیز شما خودتان به نوشته های میرویس محمودی توجه کنید و قضاوت نمائید که میرویس محمودی نادان است یا اینکه ما بالایش تهمت میکنیم. میرویس محمودی تنها در جاسوسی، فحاشی، لچکی و دو دشنام استعداد دارد نه در مسائل سیاسی بهتر است که در فحاشی و لچکی بیشتر سرمایه گذاری کند و آب سرد به آتش کینه توزی نژاد پرستانه سازمان انقلابی، موسوی و کبیر توخی سرازیر نماید و بیشتر خود را به حیث یک لمپن، فحاش و لچک معرفی نموده و شهادتنامه فحاشی و لچکی خود را خودش به نمایش بگذارد. طنز قضیه در این است که سازمان انقلابی و استادان میرویس محمودی جناب موسوی و کبیر توخی که یکی به زیارتش می شتابد و دیگری مدح نامه تقلبی برایش مینویسند هم به این نادانی میرویس محمودی صحنه میگذارند و عوض اینکه مقالات این مفلوک و در مانده را ویرایش و اصلاح نمایند نادانی آن را به نمایش میگذارند

وجهالت آنرا ثابت میسازند. وقتی میرویس نادان محمودی که از نقش برجسته وفنا ناپذیر محمودی و دیگر فرزندان انقلابی ناله سرمی دهد اینقدر کودن و نادان باشد چه جای گله از علی امیری مداح ارتجاع و امپریالیزم است که "معلومات غلط و خلاف حقایق را" ارائه میکند .

پایان بخش دوازدهم

یکی از رهروان جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید)

دوشنبه ۲۱ دلو ۱۳۹۲